قتل برادر از سر عصبانیت؛ مادر از قصاص پسرش گذشت

گروه حوادث – جوان برادرکش که با گذشت مادر از قصاص نجات پیدا کرد، حالا به لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شده و از دادگاه درخواست کمک کرده است.

این مرد جوان در یک لحظه عصبانیت برادرش را به قتل رسانده است. مأموران پلیس تهران سال گذشته از قتل پسر جوانی در خانه‌اش مطلع شدند و خود را به محل حادثه رساندند. سرنخ‌های اولیه نشان می‌داد پسر جوان که کیارش نام داشت بر اثر خفگی جان باخته است.

بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، شاهد حادثه که از ساکنان همان ساختمان بود، به مأموران گفت: کیارش همراه برادرش به نام کیان در این خانه زندگی می‌کرد. قبلا چند دفعه صدای درگیری آنها را شنیده بودم اما فکر می‌کردم مشکل آنها خانوادگی است و نباید دخالت کرد. روز گذشته با کیارش کار داشتم به همین دلیل مقابل خانه‌اش رفتم اما هر چه در زدم کسی باز نکرد. فکر کردم احتمالا بیرون رفته و باید منتظرش بمانم. شماره موبایل او و برادرش را نداشتم که بتوانم تماس بگیرم. یک روز گذشت و باز دیدم از دو برادر خبری نیست. با مادر آنها که در جای دیگری زندگی می‌کرد تماس گرفتم اما او هم بی‌خبر بود. به همین دلیل پلیس را باخبر کردم. مأموران وقتی آمدند، قفل در را شکستند و دیدند جسد کیارش کف اتاق افتاده است.

مأموران در ادامه تحقیقات به برادر کیارش مظنون شدند؛ زیرا او بعد از مرگ برادرش به‌طرز مرموزی ناپدید شده بود. بنابراین دستگیری کیان در دستور کار قرار گرفت. چند روز بعد کیان بازداشت شد اما در بازجویی‌ها قتل را انکار کرد و با حرف‌های ضد و نقیض سعی داشت پلیس را فریب بدهد. این متهم در نهایت در روند بازجویی به کشتن برادرش اعتراف کرد و گفت آن‌قدر از دست برادرش عصبانی شد که نتوانست خودش را کنترل کند و دست به قتل زد.

متهم درباره انگیزه قتل برادرش گفت: من آن‌قدر عصبی بودم که کنترل خودم را از دست دادم و دیگر نتوانستم کاری بکنم و برادرم را کشتم. من حتی لحظه قتل برادرم را به یاد ندارم. وقتی به خودم آمدم که او را کشته بودم. می‌دانستم دیر یا زود بازداشت می‌شوم اما نمی‌دانستم باید جواب مادرم را چه بدهم و همین مسئله من را خیلی اذیت می‌کرد، به همین دلیل فرار کردم، اما اشتباه کردم. اینکه من و برادرم هم‌خانه شویم از اول اشتباه بود، چون هر دو نفر ما عصبی بودیم.

متهم بعد از بازسازی صحنه جرم راهی زندان شد. تحقیقات قضائی در حال انجام بود که مادر مقتول به دادسرا رفت و گفت شکایتی از پسرش بابت قتل ندارد و گذشت می‌کند. به این ترتیب پرونده با صدور کیفرخواست فقط از جنبه عمومی جرم به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و بعد از تعیین شعبه در نوبت رسیدگی روی میز هئیت قضائی شعبه پنجم دادگاه قرار گرفت.

در جلسه رسیدگی به این پرونده کیفرخواست علیه متهم خوانده شد و سپس مادر مقتول در جایگاه قرار گرفت و در حالی که به‌شدت اشک می‌ریخت گفت: سال‌ها قبل پسرانم تصمیم گرفتند جدا از من زندگی کنند. مخالفتی نکردم تا آنها راحت باشند اما هرگز فکر نمی‌کردم روزی اینجا باشم و برای قتل پسرم درخواستی داشته باشم. روزهای سختی گذرانده‌ام. من داغ فرزند دیده‌ام. داغ فرزند بسیار سنگین است اما سنگین‌تر اینکه یک پسرم پسر دیگرم را کشته است و من درد و غم از دست دادن یک پسر و گناهکاری پسر دیگرم را با هم تحمل می‌کنم. یک پسر از دست داده‌ام ولی نمی‌خواهم داغدار دیگری باشم. به همین خاطر اعلام گذشت می‌کنم.

در ادامه متهم در جایگاه ایستاد و با قبول اتهامش به قضات دادگاه گفت: من و کیارش هر دو ناراحتی اعصاب و روان داشتیم و تحت نظر پزشک دارو مصرف می‌کردیم. پدرم چند سال پیش فوت کرد به همین خاطر مجبور بودیم مخارج زندگی را تأمین کنیم. دنبال شغل مناسبی می‌گشتیم تا اینکه کاری پیدا کردیم اما ساعت کار طولانی بود و شب‌ها دیر به خانه برمی‌گشتیم. این شد که تصمیم گرفتیم خانه‌ای مستقل اجاره کنیم که به محل کار نزدیک باشد. من و کیارش هم‌اتاق شدیم و شب‌ها بعد از اتمام کار به خانه می‌آمدیم و استراحت می‌کردیم. در این مدت به‌خاطر موضوعی با هم اختلاف پیدا کردیم و چند بار با هم درگیری لفظی پیدا کردیم. شب حادثه بعد از خوردن شام بود که دوباره با هم بحث‌مان شد. کیارش یکباره شروع به توهین کرد و با حرف‌هایش مرا تحریک کرد که به او حمله کنم. خیلی خودم را کنترل کردم تا اینکه او پتویش را پهن کرد و خوابید. من از عصبانیت بیدار بودم و خوابم نمی‌برد. مدام حرف‌های کیارش را در ذهنم مرور می‌کردم. از تکرار حرف‌ها و توهین‌های او کینه به دل گرفتم و در یک لحظه دستانم را دور گردنش انداختم و او را خفه کردم. ناگهان به خودم آمدم که فهمیدم کیارش را کشته‌ام. همان موقع از ترس فرار کردم و چند روز بعد دستگیر شدم.

متهم ادامه داد: باور کنید از حادثه‌ای که اتفاق افتاده است پشیمان هستم و همچنان عذاب وجدان دارم. مادرم اعلام گذشت کرده است و حالا از دادگاه تقاضا دارم در مجازاتم تخفیف قائل شود تا هر چه زودتر پیش مادرم برگردم و این روزها را برایش جبران کنم. امیدوارم مادرم قبول کند که من پیش او برگردم. در ادامه وکیل مدافع متهم در جایگاه قرار گرفت و دفاعیات خودش را مطرح کرد. در پایان هیئت قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

راز قتل فجیع زن پولدار در خانه مجردی!

گروه حوادث – مرد ۴۰ ساله‌ای که به قصد اخاذی از یک زن ۴۵ ساله مشهدی، او را به طرز فجیعی به قتل رسانده بود، بعد از یک ماه تلاش شبانه‌روزی کارآگاهان پلیس دستگیر شد و به جرم خود اعتراف کرد.

شب بیستم بهمن ماه گذشته، راننده شخصی یک زن جوان با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و از قتل فجیع زن ۴۵ ساله‌ای به نام «س–س» خبر داد. دقایقی بعد با حضور کارآگاهان در طبقه دوم یک ساختمان در بولوار صیاد شیرازی مشخص شد که زن مذکور با وارد آمدن ضربات متعدد چاقو در اتاق خواب به قتل رسیده است.

به همین دلیل مراتب به قاضی ویژه قتل عمد مشهد گزارش شد و بدین ترتیب بررسی‌های میدانی با راهنمایی‌ها و دستورات قاضی محمود عارفی را ادامه یافت.

در تحقیقات اولیه راننده جوان مقتول که در محل کشف جسد حضور داشت به قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد گفت: مدت‌ها قبل در پارک ملت با «س» آشنا شدم. او هم برای ورزش صبحگاهی به پارک آمده بود. وقتی فهمید که من به مسافرکشی اشتغال دارم به من گفت: اگر جوان رازنگهدار و چشم و گوش بسته‌ای باشی، تو را به عنوان راننده شخصی خودم استخدام می‌کنم! این گونه بود که من هم امور شخصی و اداری آن زن را انجام می‌دادم و حتی فرزندانش را به مدرسه می‌بردم یا هنگام خرید و تفریح در کنارشان بودم البته او چندین منزل در نقاط مختلف شهر داشت و مجردی زندگی می‌کرد چرا که شوهر او یکی از جایگاه‌داران سوخت بود و ثروت زیادی داشت.

«س» در خانه‌ای در منطقه آزادشهر به همراه دو دخترش زندگی می‌کرد اما خانه بولوار شهید صیاد شیرازی را نیز به عنوان خانه مجردی برای خودش انتخاب کرده بود. راننده جوان ادامه داد: او همیشه خودروی برلیانس خود را در بولوار هفت تیر پارک می‌کرد و قرارهایش را در ایستگاه اتوبوس می‌گذاشت. به همین دلیل وقتی چند ساعت قبل تماس‌های تلفنی‌ام با او بی‌پاسخ ماند به دخترش زنگ زدم و با هم به بولوار هفت تیر رفتیم. چون هنوز خودرو در آنجا بود نگرانی‌ام بیشتر شد و به ناچار همراه دخترش به نشانی خانه مجردی او آمدیم که با جسد غرق در خون وی روبه‌رو شدیم و من با پلیس تماس گرفتم.

پس از اظهارات راننده جوان، احتمال وقوع جنایت با انگیزه اخاذی قوت گرفت و بدین ترتیب کارآگاهان اداره جنایی تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کردند.

پس از چند روز رصدهای اطلاعاتی، بالاخره سرنخ‌هایی از یک سیم کارت مخفی

به دست آمد که زن جوان موارد خصوصی را با آن خط تماس می‌گرفت. با ردیابی‌های شبانه‌روزی، چندین مظنون در این ارتباط دستگیر شدند تا این که بالاخره دامنه تحقیقات به سوی مرد ۴۰ ساله‌ای به نام «حسین –ح» کشید که آخرین بار پیامکی برای «س–س» ارسال کرده بود.

او در این پیامک که دقایقی بعد از وقوع جنایت روی تلفن «س» نقش بسته، نوشته بود: «کانال‌های کولر را نمی‌خواهی!»

کارآگاهان پس از چند روز فعالیت‌های اطلاعاتی بالاخره محل کار این مرد ۴۰ ساله را شناسایی کردند و او را در یک قرار صوری به نقطه‌ای کشاندند و دستگیر کردند.

متهم به قتل که سعی داشت خود را بی‌خبر از ماجرای جنایت نشان دهد و مدعی بود که زن ۴۵ ساله را نمی‌شناسد، وقتی در برابر شواهد و دلایل مستند قرار گرفت به ناچار لب به اعتراف گشود و راز این جنایت هولناک را فاش کرد. او گفت: به خاطر سرمایه‌گذاری‌های ناشیانه و رشکسته شده بودم که با آن زن آشنا شدم. هنگامی که فهمیدم او پولدار است نقشه‌ای برای نزدیکی به وی طرح کردم تا بتوانم این گونه از او اخاذی کنم. روز حادثه هم به منزل مجردی وی رفتم اما موفق به اخاذی نشدم و به ناچار او را با ضربات چاقو به قتل رساندم. بررسی‌های بیشتر در این باره با دستورات ویژه قاضی عارفی راد زیر نظر سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) همچنان ادامه دارد.

گفتگو با پسر ۶ ساله ای که ۶شبانه‌روز در چاه ۴۰متری گرفتار بود

گروه حوادث – پسر ۶ساله‌ای که توسط مردی ربوده شده و به چاهی ۴۰متری در حوالی کرمان انداخته شده بود، پس از چند روز بستری بودن در بیمارستان، مرخص شد. او که داوود نام دارد ۶شبانه‌روز با بدن زخمی و بدون آب و غذا در عمق چاه، زنده ماند و حالا ناگفته‌هایی از چگونگی ربوده شدنش و اینکه چطور توانسته در چاه زنده بماند را بازگو کرد.

از روزی که مرد آدم‌ربا تو را دزدید بگو.

من هر روز با برادرم که ۱۲ سال دارد، به سر کار می‌رفتم. او در یک پارچه‌فروشی کار می‌کرد و من هم با یک باسکول جلوی مغازه می‌نشستم و افرادی که خودشان را وزن می‌کردند به من پول می‌دادند. آن روز هم آنجا نشسته بودم که مردی پیش من آمد و گفت می‌خواهد به من دو چرخه بدهد. او مهربان بود و من هم حرف‌هایش را باور کردم و با او رفتم. او در راه می‌گفت می‌خواهد چیزهای دیگری هم برایم بخرد. می‌گفت برایم بستنی، جوراب و... می‌خرد.

این مرد تو را با خودش کجا برد؟

ما کمی پیاده راه رفتیم تا اینکه او من را به جایی که خلوت بود، برد. هیچ‌کس آنجا نبود. من منتظر دیدن دو چرخه بودم. او اول گفت بیا بازی کنیم و من را به نزدیکی یک چاه برد، اما یک مرتبه من را هل داد و داخل چاه انداخت. تا قبل از اینکه تو را به چاه بیندازد فکر نکردی که ممکن است او آدم بدی باشد؟

نه. او در راه می‌گفت به تو خوردنی می‌دهم. خیلی با من مهربان بود. اصلا اذیتم نکرد. اما نمی‌دانم چرا من را به چاه انداخت. آن موقع بود که فهمیدم او دزد است و دروغ گفته است.

وقتی داخل چاه افتادی دست و پایت نشکست؟

خودم هم نفهمیدم چه اتفاقی افتاد اما همینطور که داد می‌کشیدم. داخل چاه افتادم و دیگر فقط سیاهی می‌دیدم و یک نور خیلی کم از بالا وارد می‌شد. وقتی داخل چاه افتادم دست و پایم زخمی شد و درد گرفت، اما نشکست. خیلی ترسیده بودم.

در چاه برای نجات خودت چه کار می‌کردی؟

اول خیلی داد و فریاد کردم. گریه‌ام گرفته بود. ترسیده بودم. بعد خسته شدم و همانجا نشستم.

در این مدت، آن مرد برایت آب و غذا هم آورد؟

نه. وقتی او من را در چاه انداخت دیگر نیامد و در این مدت بدون آب و غذا بودم. خیلی تشنه و گرسنه بودم، اما چیزی برای خوردن نداشتم. دعا می‌کردم که زنده بمانم. دلم برای پدر و مادر و خانواده‌ام تنگ شده بود.

وقتی در چاه بودی متوجه روز و شب شدن می‌شدی؟ فهمیدی که چند روز است در چاهی؟

وقتی روز می‌شد دهانه چاه روشن بود و شب‌ها هم همه جا تاریک می‌شد و اینطوری می‌فهمیدم که روز است یا شب، اما بعد از چند روز نمی‌دانستم که چند روز است در چاه هستم. کف چاه پر از سوسک بود که اذیتم می‌کردند. من از سوسک می‌ترسم.

چطور شد که بعد از ۶شبانه‌روز از چاه نجات پیدا کردی؟

چند روز که گذشته بود از بالای چاه صدایی شنیدم. یک نفر می‌گفت نترس من پلیس هستم. چند لحظه بعد یک نفر داخل چاه آمد. خیلی مهربان بود. من را بغل کرد و با خودش بیرون برد. مأموران پلیس من را نجات دادند. بعد هم من را به بیمارستان بردند و چند روز هم در آنجا بودم. در آنجا زخم‌هایم را بستند و بعد از چند روز حالم بهتر شد اما حالا همه تنم دچار خارش شده است.

فهمیدی که چرا این مرد تو را دزدید و به چاه انداخت؟

زمانی که با من بود هیچ حرفی نزد. بعد هم که مأموران پلیس من را نجات دادند هم چیزی نگفته است. نمی‌دانم او چرا این کار را کرد. من قبلا او را دیده بودم. برایم آبمیوه و کیک می‌خرید. نمی‌دانم چرا این بلا را بر سرم آورد.

حالا که چند روز است به خانه برگشتی، حالت بهتر شده؟

بله. خیلی خوشحالم که پیش مادرم هستم. وقتی در چاه بودم فکرش را هم نمی‌کردم که دیگر بتوانم به خانه برگردم. خدا را شکر پیش خانواده‌ام هستم.

براساس این گزارش هم‌اکنون مرد آدم‌ربا در بازداشت به‌سر می‌برد و بازجویی‌ها از او برای روشن شدن انگیزه‌اش از ربودن پسربچه ادامه دارد.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام

دعوت به همکاری
شرکت خدمات فرودگاهی همراه کوشا کیش جهت تکمیل کادر خود در جزیره زیبای کیش از افراد واجد شرایط زیر دعوت به همکاری می نماید:
۱) نیروی کارمند پذیرش مسافر
۲) نیروی خدمات بار
۳) نیروی اپراتور تجهیزات سنگین (پایه یک،پایه دو) و برقکار
مراجعه از ساعت ۱۱صبح لغایت۱۴ از مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۱ به مدت یک هفته
آدرس :فرودگاه ، دفتر حراست شرکت همراه کوشا کیش

عطاری

عطاری عین الشفا با سوغات همدان، انواع عرقیجات، داروهای گیاهی،گردو باپوست ومغز گردو تویسرکان،بادام درختی باپوست ومغز بادام، شیره انگور ملایر،ارده بروجرد و ...
آدرس:پارس خلیج فارس ، کوچه بابونه
شماره تماس ها ۰۹۱۸۸۱۵۵۹۰۳
۰۹۳۷۸۹۸۰۶۶۶ جنتی عطایی

خدمات

اجراء کناف در جزیره کیش پروژه های بزرگ و کوچک
۰۹۱۷۴۳۸۸۸۱۸

تاسیسات ساختمانی کریمی
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۴۴

مفقودی

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۴۷۲۲۹/۰۱ به نام مریم باقری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۴۷۲۲۹/۰۶ به نام مهلا مصباح مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

خشکشویی

خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس : مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش
۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸
با مدیریت عسکری

حمل بار

حمل بار در جزیره
با ۶ چرخ (شبانه روزی)
۰۹۳۴۷۶۸۴۳۴۲ – ۰۹۳۴۷۶۹۴۳۴۲

حمل و جابجایی کالا
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی -خدماتی -تجاری
۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴ رضایی

لوازم صوتی

فروشگاه ستاره سحر لوازم صوتی، تصویری ، خانگی و سرمایشی بازار بهکیش، طبقه همکف ۴۴۴۴۴۵۶۷

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش